

بررسی چهره‌ی

دیو و پری

در افسانه‌های

مازندران

فاطمه شمسی





انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)



مرکز آفرینش های ادبی، دفتر پژوهش

بررسی چهره دیو و پری در
افسانه های مازندران

ترجمه: فریاد شمس

شیراز: جلد: حسب آیین

چاپ: صحنه صحنه و لیتوگرافی: واژه پرداز اندیشه، چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۶۷۶-۲

سرشناسه: شمس، فاطمه، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور: دیو و پری در افسانه های مازندران: رویکردی
اسطوره شناسی / فاطمه شمس: [برای] مرکز آفرینش های ادبی [

سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری].

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص.

ISBN: 978-600-03-0676-2

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: اسطوره شناسی -- تاریخ و نقد

موضوع: Legends -- Iran -- Mazandaran

موضوع: ادبیات و اسطوره

Literature and myth

موضوع: افسانه ها و قصه های مازندرانی

Mythology-- History and criticism

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، مرکز

آفرینش های ادبی

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۹د۸ش/BL۳۱۳

رده بندی دیویی: ۲۹۱/۱۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۹۱۷۵۱

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۴۴-۱۵۸۱۵

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز پخش (بج خط): ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.soremehr.ir

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

به پدر، مادر، و مادر بزرگ
به پاس لایه‌های شبانه

؛

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۴	فصل اول اسطوره و افسانه
۲۱	نقد اسطوره‌شناختی
۲۴	افسانه و قصه
۲۷	افسانه‌های مازندران
۳۰	فصل دوم دیو
۳۱	مازندران تاریخی یا اسطوره‌ای
۳۳	دیوان و مازندران
۵۸	سخن آخر

۵۹	پیشینه «دیو»
۶۴	دیو در ادب پارسی
۶۸	دیو در افسانه‌های مازندران
۸۳	سخن آخر

۸۴	فصل سوم پری
۸۶	پری کیست؟
۱۰۱	پری و جنون ؛
۱۰۸	آل
۱۱۹	شخصیت پری در ادب پارسی
۱۲۵	پیشینه و جایگاه مار
۱۴۲	پری در افسانه‌های مازندران
۱۵۲	سخن آخر

۱۵۴	فصل چهارم افسانه؛ میراثی جهانی
۱۷۶	سبزه‌قا
۱۸۵	کوپید و پسوخته
۱۹۴	سلطان مار
۱۹۶	کاکل‌زری، دندان‌روارید
۱۹۷	پسر تاجر و روح غریبه‌ای تنها
۱۹۸	چهل پهلوان، چهل دیو
۱۹۹	حاتم طایبی و انگشتر سلیمانی
۲۰۰	حسن پهلوان
۲۰۱	سیب‌گریان، انار خندان

۲۰۲	روایت دیگر از سیب گریان، انار خندان
۲۰۲	شیرمحمد
۲۰۴	قوز بالا قوز
۲۰۴	پادشاه و دختر بیمارش
۲۰۶	پسمچوک
۲۰۶	حسن ترسو (کوهسار پهلوان)
۲۰۷	هیزم شکن و مار
۲۰۸	زخم زبان و اثر چوب
۲۰۸	محمد، پسر حداد
۲۱۵	برگ ظلمات
۲۱۶	پسرک بی خیال
۲۱۶	دو خواهر
۲۱۷	نقل نجار
۲۱۸	شغال ترس محمد
۲۱۸	تنبل
۲۱۹	مرغ تخم طلا
۲۲۰	ملک محمد
۲۲۱	دو برادر
۲۲۲	اوغچه پرین
۲۲۲	انار گل خنده زار، سیب گل خنده زار، گل گل خنده زار
۲۲۳	پیرمرد و مار
۲۲۴	شیرافکن و هفت دیو
۲۲۴	گل سرخ تنی
۲۲۵	مادیان چهل کره

۲۲۷	نارنج و ترنج
۲۲۸	چهل پهلوان و چهل دیو
۲۲۸	حسن پهلوان
۲۲۹	سیب گریان و انار خندان
۲۳۰	کچلک
۲۳۱	زنگ عدالت و مار
۲۳۲	ماه‌پیشانی
۲۳۴	مهرپرتو و شاهزاده افعی
۲۳۶	دختری که پسر شد
۲۳۷	مه‌مه‌خاتون
۲۴۰	وک (غوک)

پیشگفتار

افسانه‌های شفاهی و باورهای عامیانه^۱ در کنار آثار باستانی و متون کهن بازگوکننده ناگفته‌های بسیاری دربارهٔ فرهنگ یک قوم است و فقط با دیدگاهی میان‌رشته‌ای می‌توان به تحلیل مضامین و عناصر متون و ادبیات شفاهی، به‌ویژه افسانه‌ها، پرداخت. افسانه‌ها، به منزلهٔ بخش بزرگی از ادب باستانی، در گذر اسطوره به حماسه و حماسه به تاریخ شکل گرفته‌اند. بدین‌سان، اسطوره پس از افسانه شدن باز هم سهم خود را در زندگی انسان حفظ می‌کند. اسطوره‌ها به اقتضای پویایی روایی عمل می‌کنند و همواره از ایستایی اصول عقاید می‌گریزند (کوپ ۱۳۸۴: ۱۱۴). به باور مالدینوفسکی، افسانه در فرهنگ بومی کارکردی ضروری دارد: افسانه اعتقاد می‌آورد، آن را تحکیم می‌بخشد و رمزآمیز

می‌نماید. افسانه‌ها حافظ اخلاق‌اند و آن را تجلیل می‌کنند. افسانه کارایی مراسم عبادت را تضمین می‌کند و شامل قوانین عملی برای راهنمایی انسان است (الیاده ۱۳۶۷: ۲۳). در اینجا می‌بینیم که افسانه دارای کارکردی یکسان با اسطوره است. به عبارت دیگر و به تعبیر آیدنلو، اینکه در داستان‌های عامیانه مواردی از بن‌مایه‌های اساطیری دیده می‌شود یا برای بررسی موضوعات حماسی - اساطیری از شواهد و نشانه‌های موجود در افسانه‌ها و روایات مردمی استفاده می‌شود، به این دلیل است که مبنای داستان‌ها و مضامین اساطیری و عامیانه و افسانه‌ای مناسبات و داد و ستدهایی وجود دارد. بدین معنی که گاه یکی از عناصر اساطیری وارد روایات مردمی می‌شود و گاه مایه‌هایی از حوزه فرهنگ و ادب عامیانه و افسانه‌ها به اسطوره و حماسه راه می‌یابد (آیدنلو ۱۳۸۴: ۳۳). در واقع، افسانه‌ها میراثی مشترک از درختی تنومندند که شاخه ابتدایی فرهنگ‌های بشری را شکل می‌دهند. نوشتار حاضر بر آن است تا در افسانه‌های عامیانه مازندران رگه‌های اسطوره‌ای را در دو پدیده «دیو» و «پری» بازنگری و بررسی کند. مازندران از دیرباز جایگاه اقوامی کهن با باورها، آیین‌ها، و رسوم غنی بوده است. در طول تاریخ همواره مازنی‌ها بر آن بوده‌اند که این باورها را از دسترس اقوام بیگانه و حکومت‌های مرکزی حفظ کنند. در این میان، دیو و پری جایگاهی ویژه در افسانه‌های ایران، به خصوص در افسانه‌های مازندران، دارند. نویسنده این نوشتار خود مازندرانی است و به دست دادن این پژوهش را ادای دینی می‌داند به سرزمین مادری خود. در کتاب پیش روی، در فصول مختلف، نخست سعی شده است درکی اسطوره‌شناختی از افسانه‌ها ارائه داده شود. سپس، در دو فصل مجزا به بررسی چهره دیو و پری و بیرون کشیدن لایه‌های کهن و

اسطوره‌ای مربوط بدان در افسانه‌های مازندران پرداخته شده است. در فصل آخر، با دیدگاهی تطبیقی، به مقایسه چند افسانه مازندرانی و همتایان ارمنی آن و نیز مقایسه یک افسانه کهن رومی و نمونه کاملاً مشابه آن در افسانه‌های مازندران پرداخته‌ایم.

در حوزه مربوط به افسانه‌های مازندرانی - تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد - پژوهشی مستقل با هدف نقد اسطوره‌شناختی و نشانه‌شناختی افسانه‌ها به چاپ نرسیده است. در این پژوهش به جمع‌آوری افسانه‌هایی با محوریت یا حضور دیو و پری پرداخته‌ایم. از این رو، این افسانه‌ها همه در طبقه «افسانه‌های پریوار» نمی‌گنجد؛ چون در آن‌ها با موجودات شگفت‌انگیز روبه‌رو نمی‌شویم. مثلاً، در برخی افسانه‌ها دیو با ویژگی‌های عادی و مشابه انسان معمولی توصیف می‌شود و دارای نیروی مافوق طبیعی نیست. نویسنده سعی کرده است تا حد امکان از همه افسانه‌های مازندرانی، که در آثار موجود به چاپ رسیده و همچنین برخی افسانه‌هایی که به صورت شفاهی گردآوری شده است، بهره‌گیرد. بدیهی است که نمی‌توان از جامعیت افسانه‌های این مجموعه اطمینان حاصل کرد. امید است در آینده همه افسانه‌های خطه مازندران در چند مجلد و جداگانه به چاپ رسد.

در اینجا لازم است از دوست محقق، سپیده معافی مدنی، برای همکاری و یاری‌اش در جمع‌آوری افسانه‌ها و نمادشناسی آن‌ها سپاسگزاری و قدردانی کنم.

فصل اول | اسطوره و افسانه

افسانه‌سرایی در ایران سنتی کهن به شمار می‌آید. قصه‌های عامیانه ایرانی، از کهن‌ترین تا متأخرترین آن‌ها، از قصه‌های جن و پری گرفته تا رمانس و داستان‌های عیاری، همگی، سرشار از باورهای اسطوره‌ای‌اند. گرینباوم بر این باور است که اسطوره‌ها، قصه‌های عامیانه، داستان‌های پریوار، حماسه‌ها، و روایات گاه نکات ناگفته تاریخی را باز می‌نمایند؛ این نکته‌ها را باید با بررسی‌های دقیق علمی شناخت و به حل معمای آن‌ها پرداخت. (گرینباوم ۱۳۷۱: ۹۰)

اسطوره‌ها می‌توانند قومی و قبیله‌ای و مختص نیز باشند. پژوهشگران بر این باورند که افسانه‌های کهن، همچون جزئی از فرهنگ عامه^۱، که از روزگاران دور نسل به نسل منتقل شده است، لبریزند از باورها و آیین‌های انسان باستانی درباره زمین، آسمان، خورشید، ماه، ستارگان،

گیاهان، جانوران، انسان، و موجودات فراانسانی چون ایزدان و ایزدبانوان، دیوان و پریان، جانوران شگفت‌انگیز، و کنش‌های جادویی. با بازخوانی و تحلیل نقش‌مایه‌ها^۱ در گونه‌های متفاوت ادبیات شفاهی می‌توان باورها، رسوم، مناسبات تولیدی، و روابط اجتماعی اقوام و ملل را در گستره پیش از تاریخ جست‌وجو کرد.

قصه‌های عامیانه هر ملت به نوعی جلوه‌گاه رازهای آن‌هاست. در زندگی انسان ابتدایی، جادو نقش زیادی در امور داشت و الفاظ نیز ذات جادویی داشتند. کنش جست‌وجوی نام در افسانه‌های پریان و آزمونی که در برابر قهرمان قرار می‌گیرد، هر دو، ریشه در این باور دارد. شخصیت‌های ساختگی و آفریده انسان (نخودی)، اعمال جادویی، اشیای جادویی (دیگ، انگشتر، و نظیر آن)، مکان‌های جادویی (باغ نارنج و ترنج و دژ جمشید)، و تبدیل شخصیت‌ها با نیروی جادو (تبدیل انسان به پرنده، گیاه به جانور و شیء، و عکس آن) همگی ریشه در باور انسان باستانی به جادو دارد. بنابراین، می‌توان گفت اسطوره در ابتدا با اجرای آداب و مناسک و آیین‌ها زنده ماند. آنگاه که تقدس این رسوم کم‌رنگ‌تر شد، در قصه‌ها و افسانه‌ها به حیات خود ادامه داد.

با شکل‌گیری مکتب مردم‌شناختی و تحقیقات وسیع و پُر دامنه طرفداران آن، فولکلور و قصه‌های عامیانه نیز از حوزه نظر آنان برکنار نماند. اندریو لانگ^۲ (۱۸۴۴ - ۱۹۱۲) با استفاده از نظریات یک انسان‌شناس انگلیسی به نام ادوارد ب. تیلور^۳، درون‌مایه قصه‌های اروپایی را با قصه‌های آریایی و اسطوره‌های کلاسیک مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که بنیان و اصل قصه‌ها به آداب و رسوم و باورهای

1. motifs

2. Andrew Lang

3. Edward B. Tylor

انسان‌های پیش از تاریخ می‌رسد. یرزلی^۱ در فولکلور قصه‌های پریان^۲ مهم‌ترین باورهای ابتدایی را طبیعت‌گرایی، جاندارانگاری اشیا و حیوانات، مسخ، بت‌پرستی، اژدها، خواب و رؤیا، تجدید حیات، سحر و جادو، و تابوها برمی‌شمارد. به نظر او، با مطالعه این موضوعات روشن می‌شود که چگونه باورهای راسخ نیاکان ابتدایی ما موضوع اصلی قصه‌های زنان کهن‌سال را شکل می‌دهد. (خدیش ۱۳۸۷: ۱۸)

به تعبیر ولادیمیر پراپ، ساختارگرای بنام روس، سرچشمه بسیاری از مضامین قصه‌های عامیانه - به‌خصوص قصه پریان - نهادهای اجتماعی کهن و به‌ویژه آیین تشرّف است. وی با این اندیشه شروع کرد که این آیین‌ها در همه جا یکسان‌اند؛ زیرا خویش‌کاری آن‌ها در همه جا یکسان است: کودک آیین مردن را می‌گذراند و به شکل یک مرد وارد جامعه می‌شود. در قالب قصه‌ای، به متشرّفان گفته می‌شد که در مراسم تشرّف چه رخ می‌دهد. بعدها که آیین سستی گرفت و تقدسش از بین رفت، آیین‌ها به صورت قصه عامیانه (پریان) درآمدند (همان: ۱۹).

به نظر ولادیمیر پراپ، اسطوره یکی از منابع و خاستگاه‌های افسانه‌ها، به‌ویژه قصه‌های پریان، است. در انسان‌شناسی و فولکلور، اسطوره را می‌توان همان افسانه یا قصه‌های پریان دانست؛ چون گاه اسطوره و افسانه چنان به هم آمیخته‌اند که تمیز آن‌ها از یکدیگر ممکن نیست. اسطوره‌ها کلید فهم قصه‌های پریان‌اند. قصه‌های پریان را باید با اسطوره‌های تمدن‌های باستانی و نیز اسطوره‌های اقوام ابتدایی و جوامع پیش از طبقات مقایسه کرد.^۳

لوی استروس، اسطوره‌شناس و مردم‌شناس فرانسوی، نیز به مقایسه

1. Macleod Yearsley

2. *The folklore of Fairy Tale*

۳. برای اطلاعات بیشتر از نظریات پراپ درباره اسطوره و پیوند آن با قصه و داستان‌های پریان استروس

اسطوره و افسانه‌های پریان می‌پردازد. نظریات عمده وی چنین است: اسطوره‌ها از دیدگاه راویانشان مقدس و الهی‌اند. اسطوره‌ها را نمی‌توان نمونه‌های قدیمی‌تر و کهن‌تر قصه‌های پریان دانست؛ بلکه هم‌زمان با آن‌ها پدید آمده‌اند. در انسان‌شناسی، تفاوتی که بومیان میان قصه و اسطوره قائل‌اند معنا دارد و با ارزش است؛ اما هرگز نمی‌توان این تفاوت‌ها را ناشی از سرشت و طبیعت آن‌ها دانست. قصه‌ها در هر جامعه می‌توانند اسطوره باشند و برعکس. قصه‌ها و الگوهای آن‌ها با کمی تغییر یا به همان شکل در اسطوره‌های جامعه‌ای دیگر از نو ظاهر می‌شوند. تفاوت اسطوره و افسانه ماهوی نیست؛ بلکه تفاوت در صورت است. قصه‌ها جنبه کیهان‌شناختی کمتری دارند؛ اما اسطوره‌ها دارای ماهیت پدیدارشناسانه و دینی‌اند. قصه‌های بدون اسطوره، همچون قمری بدون سیاره، به خروج از مدار گرایش دارند. تحلیل ریخت‌شناسی اسطوره و افسانه باید همسان باشد. (استروس ۱۳۷۱: ۶۶ - ۷۲)

اساطیر نیز چون هر پدیده دیگری برای گسترش و بقا نیازمند بسترهایی مناسب بوده‌اند تا از فراموش‌شدگی و رکود نجات یابند. علاوه بر ذهن و زبان، تاریخ و ادبیات نیز از بسترهای مهم برای بقا و بالندگی آن‌ها بوده است. ادبیات - چه به صورت شفاهی، که اساطیر را سینه به سینه انتقال داده، چه به گونه مکتوب، که آن‌ها را در خود ثبت و ضبط کرده است - در مانایی و حفظ آن‌ها از گزند حوادث روزگار تا حد زیادی نقش داشته است. (ابراهیمی ۱۳۸۹: ۶۵)

در مباحث انسان‌شناسی و فولکلور،

اسطوره در تباین با افسانه معرفی نمی‌شود. هرچند آن‌ها با طرح چند ویژگی مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و مرزهای هر یک را بازگو می‌کنند، اسطوره و افسانه را گونه‌ها و جنس‌هایی

از یک نوع می‌شناسند که خصیصه‌های ثانوی به هر یک میدان عمل ویژه‌ای بخشیده است. بر اساس این، ماده مشترک اسطوره و افسانه همان مجموعه باورها و اندیشه‌های بشری است. برای همین است که گاه در تعریف‌های انسان‌شناسان اسطوره و افسانه واژگان مترادفی دانسته می‌شوند. (ابراهیمی ۱۳۸۹: ۶۵)

از دیدگاه این محققان، افسانه یا اسطوره گویی همان تکنیک مشهور روان‌شناسی، یعنی «تداعی آزاد»، است که، با تحلیل و طبقه‌بندی مفاهیم و محتوای آن، می‌توان حتی حافظه جمعی هر ملت را بازسازی کرد. (همان) میرچا الیاده اسطوره را داستان مقدس و افسانه را داستان غیر مقدس خوانده است؛ اما تصریح می‌کند که مرز بین قصه و اسطوره معین نیست. «آنچه در یک قبیله حیثیت یک اسطوره را دارد در قبیله همسایه قصه‌ای بیش نیست» (خدیش ۱۳۸۷: ۳۳). دکتر بهار درباره ماهیت اسطوره، حماسه، قصه، و تفاوت این سه چنین می‌گوید:

فرق عمده اسطوره و حماسه در زمان است. اسطوره به زمان ازلی برمی‌گردد و می‌گوید خدایان در ازلی چه کردند. حماسه راجع به هزارها سال پیش صحبت می‌کند؛ اما درباره زمان ازلی یا ابتدایی جهان چیزی نمی‌گوید. شخصیت‌های هم خدایان نیستند و پهلوانان‌اند. حماسه به عوام الناس ارتباط زیادی ندارد... ولی قصه زمان مشخصی ندارد؛ هرچند همیشه در گذشته اتفاق می‌افتد: «خارکنی بود، پسر کچلی بود...» همه در گذشته اتفاق افتاده؛ اما زمان ازلی اسطوره و زمان بسیار دور حماسه را ندارد. موضوع قصه هم با اسطوره و حماسه تفاوت دارد. در قصه‌ها آدم‌های معمولی

را می‌بینید، امید را می‌بینید، پری‌ها و دیوها هم هستند. قصه کلاً می‌خواهد حق را به محق برساند و امید در دل‌ها نگه دارد. این درون‌مایه‌ها با درون‌مایه‌های حماسه فرق دارد؛ ولی خیلی از درون‌مایه‌های حماسی هم توی قصه‌ها هست (مثل موفقیت و قهرمانی پسر کوچک در قصه ایرج و سلم و تور). (بهار ۱۳۷۶: ۴۵۳-۴۵۵)

اسطوره و افسانه‌های پریان با زبان اشاره و نماد با ما سخن می‌گویند، که نماینده محتوای ناخودآگاه است.

اینکه قصه پریان کجا و چگونه رشد و گسترش یافته مشخص نیست. برخی از نمونه‌های آن به مجموعه‌ای مصری متعلق به قرن سیزدهم قبل از میلاد برمی‌گردد. انعکاس این سبک را می‌توان در برخی از بازسازی‌های ادبی قصه‌های پریان یافت؛ مثل کتاب توبیت^۱ اثر آپوکریپال^۲ یا داستان کوپید و سایکه از آپولیس؛ قصه‌هایی که در بسیاری مواقع به قصه‌های بسیاری از مردمان آسیایی شبیه‌اند و در میان اقوام بدوی هم یافت می‌شوند و در بسیاری از قصه‌های غربی در سایر نقاط دنیا رواج دارند. (خدیش ۱۳۸۷: ۲۹)

لوفلر - دلاشو در زبان رمزی قصه‌های پریوار هدف قصه‌های پریان و آداب فولکلور را نشر تعالیم ظاهری اساطیر می‌داند که از راه مشابهت آموزش‌های قدسی را آشکار می‌کنند (لوفلر - دلاشو ۱۳۸۶: ۶۹). بیشتر محققان بر این باورند که تفاوت میان اسطوره و قصه به دلیل صورت و ساختار نیست و هر دو نشان‌دهنده نوعی حکایت یگانه‌اند. نوتراب فرای در مقاله «ادبیات و اسطوره» به این نکته اشاره می‌کند.

1. Book of Tobit

2. Apocrypal

قصه‌های عامیانه و مردمی، از لحاظ ساختار حکایتی، مشابه اساطیر و حتی عین اساطیرند و چنین می‌نماید که فرق عمده میان آن دو در این است که قصه عامیانه، حتی اگر سنتی باشد و به معنای لفظی نیز تعبیر شود، باز عنصر اساسی در سنت و اعتقاد (مذهبی) نیست؛ اما اسطوره و قصه عامیانه و افسانه مجموعه یا کل واحدی را تشکیل می‌دهند و هر یک از آن مقولات که مورد بررسی قرار گیرد دو مقوله دیگر نیز مشمول همان اصول می‌شوند. (ستاری ۱۳۷۸: ۱۰۶-۱۰۷)

فرای در جای دیگر تأکید می‌کند که وقتی از لحاظ صوری اسطوره و افسانه و قصه عامیانه را بررسی می‌کنیم فرق آن‌ها از میان می‌رود. (همان: ۱۰۸)

نقد اسطوره‌شناختی

روش نقد اسطوره‌ای (اسطوره‌شناختی)، که از آن به «نقد کهن‌الگویی»^۱ نیز تعبیر می‌شود، از رویکردهای اصلی نقد معاصر است و پیشینه‌ای بیش از یک قرن دارد. تاریخچه آن را باید از مکتب انسان‌شناسی انگلیس و پژوهش‌های انسان‌شناسانی چون ادوارد تیلور، جیمز فریزر^۲، و دیگران آغاز کرد - که از اواخر قرن نوزدهم شروع و با نظریات یونگ متحول شد. (سام خانیانی و ملک‌پایین ۱۳۹۱: ۲۸)

نقد اسطوره‌ای با نقد روان‌شناختی، که زیرمجموعه آن است، رویکردی میان‌رشته‌ای است که در زمینه اشتراکات رفتاری انسان همگرایی دارد. ضمن اینکه نقد روان‌شناختی به رؤیاهای فردی نظر دارد، اسطوره‌شناسی به رؤیاهای و رفتارهای گروهی یک جامعه - که آن‌ها را در فعالیت‌های روانی و

1. Archetypal Criticism

2. J.G.Frazer

معنوی مشترکشان گره می‌زند - می‌پردازد. (عباس‌لو ۱۳۹۱: ۹۰)

این نوع نقد، بر مبنای شکل کاربردش، زمینه‌های متنوعی چون «نقد کهن‌الگویی» و «نقد یونگی» را نیز در بر می‌گیرد. در این روش، منتقد می‌کوشد، با رویکردی تحلیلی - تطبیقی و روشی استقرایی، همه عناصر فرهنگی را - که در سیر تمدن بشر وجود داشته‌اند و ناخودآگاه آفرینش اثر ادبی مؤثر بوده‌اند، بررسی کند (قائمی ۱۳۸۹: ۳۳). مهم‌ترین وظیفه منتقد، در زمان به کارگیری نقد کهن‌الگوگرایانه، پیدا کردن کهن‌الگوهای است که در یک اثر خاص وجود دارند. این جست‌وجو می‌تواند در دل مضامین، در پس شخصیت‌ها و لایه‌لای پیرنگ داستان، یا حتی در خود مکان داستان باشد. رنگ‌ها، اشکال، فرم‌ها، اعداد، اسامی، همه و همه می‌توانند کهن‌الگو باشند. (عباس‌لو ۱۳۹۱: ۸۹)

این کهن‌الگوها مضامین، تصاویر، یا الگوهای هستند که مفاهیم یکسانی را برای سطح وسیعی از بشریت و فرهنگ‌های متفاوت القا می‌کنند. اگرچه این نمادها و مفاهیم کهن ذهنی بقایای حافظه شخصی نیستند، به شکلی مشخص از مغز انسان مایه می‌گیرند و خاصیت موروثی دارند. یونگ بر این باور بود که انسان دارای نوعی «حافظه نژادی» است که کهن‌الگوها در آن ذخیره می‌شوند (همان: ۳۶). او به تعریفی از اسطوره مبتنی بر کهن‌نمونه‌ها و قالب‌های رفتاری^۲ رایج میان همه مردم اعتقاد داشت و بر آن بود که اسطوره روشی است از بیان نمادین برخی نیازهای روانی اصلی چون وحدت، سازگاری، و آزادی (بهار ۱۳۸۷: ۳۶۱). او اسطوره را به مثابه رؤیایی که در فرد به حدوث می‌رسد نمی‌دانست؛ بلکه آن را در قالب الگویی مطرح ساخت که از مشارکت طبیعی در ناخودآگاه جمعی حکایت می‌کرد (عباس‌لو ۱۳۹۱: ۸۷).

1. Archetype

2. patterns of behavior